

## بررسی تطبیقی نظریه مقاصد شریعت با اهداف شریعت از منظر تفکر شیعه و اهل سنت

علیرضا حیدرزاده<sup>1</sup>

### چکیده

**هدف:** هدف از این نوشتار، بررسی تطبیقی نظریه مقاصد شریعت با اهداف شریعت از منظر تفکر شیعه و اهل سنت و واکاوی تأثیر اهداف شارع در تغییر احکام شرعی بوده است. **روش:** در این پژوهش از روش کتابخانه‌ای و فیش‌برداری استفاده کرده و با توجه به منابع معتبر علمی به ارزیابی و تحلیل موضوع پرداخته‌ایم. **یافته‌ها:** خداوند متعال در تشریح احکام الهی حتماً مقاصدی را در نظر داشته است که آن مقاصد از طریق قرآن، نصوص معتبر و عقل قابل فهم‌اند و با توجه به اینکه هدف خداوند از تکلیف‌بندگان خود، تأمین مصالح آنها بوده؛ اگر مصلحت‌دار بودن عملی با سند معتبر احراز شود، خداوند آن مورد را هدف تشریح احکام قرار خواهد داد. به بیان دیگر؛ چنانچه حتمی و تام بودن مصلحتی محرز شود، چنین مصلحتی حتماً از مقاصد شارع مقدس خواهد بود. **نتیجه‌گیری:** هر چند دلیل نقلی از شرع بر اعتبار مصلحت ذکر شده وجود نداشته باشد، اما می‌توان بتوان بین اهداف شریعت و مقاصد آن (با نگاه اهل سنت) فرق گذاشت، اما نمی‌توان با نگاه افراطی به اهداف شریعت دست از ظهور احکام شریعت برداشت.

**واژگان کلیدی:** اهداف فقه، مقاصد شریعت، منطقه الفراغ، نص.

◆ دریافت مقاله: 95/09/20؛ تصویب نهایی 96/04/10.

1. دکتری فقه و حقوق خصوصی و استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه هنر / نشانی: تهران؛ خیابان ولیعصر، دانشگاه هنر / نمابر:  
Email: alihey55@gmail.com 184222401

**الف) مقدمه**

علمای اهل تسنن برای وقایع خارجی که در جامعه رخ می‌دهند، با تطبیق بر مقاصد شریعت، حکم و جوب یا حرمت صادر می‌کنند، بدون اینکه این مصلحت در حدّ یک مصلحت تام و الزامی باشد. در صورتی که از نگاه علمای تشیع، چنانچه مصلحتی به سرحدّ یک مصلحت حتمی و الزامی رسید، حال یا به واسطه یک دلیل نقلی معتبر یا عقلی قطعی، چنین مصلحتی حتماً از مصادیق مقاصد شریعت بوده و شارع مقدس حتماً آن را در زمره مقاصد خود قرار داده است.

**پیشینه موضوع** در میان اهل تسنن بسیار طولانی و به طور شافی و کافی به آن پرداخته شده است؛ غزالی در کتاب «المستصفی من علم الاصول» نظرات خود را در بحث اهداف شریعت ذکر کرده و افرادی مانند نجم‌الدین الطوفی و محمدسعید رمضان نیز مباحث زیادی را عنوان کرده‌اند. ولی در نزد علمای امامیه با توجه به دسترسی به روایات اهل بیت (ع) و نگاه جامع به قرآن کریم و استفاده از عقل در جایگاه ویژه برای استنباط احکام شرعی، نیازی به ورود در موضوع اهداف شریعت نبوده است و فقهای امامیه، مانند شهید اول، محمدحسن نجفی (جواهرالکلام، 1410) و میرزای قمی بسیار محدود در این موضوع ورود کرده‌اند. در این مقاله سعی شده است با نگاهی عمیق به این بحث توجه کرده و تأثیر اهداف شریعت را به احکام شرعی با دقت بیشتری بررسی کند.

**سؤال اصلی** مقاله این است که: آیا اهداف و مقاصد شریعت با هم تفاوتی دارند و میزان تأثیرگذاری آنها بر احکام شرعی تا چه حد است؟

**بیان فرضیه:** در این مقاله به دنبال اثبات آنیم که بگوییم بی‌توجهی به اهداف شریعت، ما را به یک جمودگرایی در فهم احکام اسلامی می‌کشاند و موجب می‌شود با جزئی‌نگری در احکام اسلامی، از اهداف عالی اسلام غافل بمانیم؛ گرچه نگاه افراطی به اهداف شریعت و بی‌توجهی به احکام اسلام نیز کاملاً مذموم است و موجب انحرافات در اسلام می‌شود.

**روش و ابزار:** روش انجام این پژوهش، کتابخانه‌ای و فیش‌برداری است و به صورت تطبیقی انجام شده و با توجه به منابع معتبر علمی، به ارزیابی و تحلیل موضوع پرداخته است.

**ب) ماهیت مقاصد شریعت**

منظور از عبارت ترکیبی «مقاصد شریعت» در اینجا همان اهداف خداوند از تشریح مقررات اعتباری و عملی در دین اسلام است. بدیهی است که منظور از شریعت در این کارایی، همان احکام اسلام است. این بحث از همان قرون اولیه ظهور اسلام مطرح بوده و ابراهیم نخعی که از تابعان بوده، واضح آن است (مهریزی، 1377: 18)؛ اما از قرن

### 373 بررسی تطبیقی نظریه مقاصد شریعت با اهداف ...

پنجم به بعد، توسط افرادی مانند جوینی، غزالی و شاطبی شفاف شد. جوینی مقاصد شریعت را به پنج قسم تقسیم کرد: حفظ دین، حفظ نفس، حفظ عقل، حفظ نسل و حفظ مال (ریسونی، 1376: 71). غزالی، شاگرد وی، این بحث را نظام مند کرد و در پنج قسم حفظ دین، جان، عقل، نسل و مال دانست (غزالی، 1417، ج 1: 417). بعد از غزالی، اکثر علمای اهل تسنن از وی تبعیت کردند؛ حتی بعضی از علمای تشیع، از جمله شهید اول و میرزای قمی نیز از وی در این موضوع تبعیت کردند. (عاملی، بی تا، ج 1: 38، قمی، 1363، ج 2: 92)

از نگاه اهل تسنن، هر آنچه این پنج عامل را خدشه دار کند، حرام است و شارع مقدس به هیچ وجه راضی به این امر نیست. بسیاری از عملکردهای اشتباه خلفا در دوران خلافت، با بیان دفاع و حفظ دین، که یکی از مقاصد شارع مقدس است، توجیه می شد و مصلحت عمومی جامعه اسلامی را طوری بیان می کردند که به قول محمد رشید در المنار: اصحاب حل و عقد، نمادی برگرفته از فرمان الهی مبنی بر «وامرهم شوری بینهم» بود که در آن، بزرگواران و کارشناسان قوم بر اساس «مصلح عمومی»، خلیفه را تعیین کردند. (محمد رشید، 1990: 145)

در خصوص مطالبی که نقل شد، بیان چند نکته ضروری است:

- بدون تردید، منابع معتبر برای تبیین مقاصد شریعت، قرآن، احادیث معتبر و عقل است. در کشف و تفسیر مقاصد شریعت نیز باید به همین منابع رجوع کرد.

- انحصار مقاصد شریعت به این پنج مورد، نه در قرآن آمده و نه در روایات و نه به وسیله عقل به آن اشاره شده است.

- به نظر می رسد آنچه در فقه و استنباط مهم است، ملاحظه تقسیم مقاصد به ابتدایی و نهایی، معتبر و غیر معتبر و نقلی و عقلی است (علیدوست، 1390: 74). با این تقسیمات شاید بهتر بتوان از جایگاه مقاصد نسبت به احکام شرعی و تأثیر آن بر احکام صحبت کرد؛ در حالی که مقاصد با تقسیم بندی اهل تسنن، کارایی لازم را ندارند.

- پنج مقصد ذکر شده، جزء اهداف عالی شارع مقدس نیستند، بلکه قرآن کریم؛ شناخت خداوند، عبادت او، رسیدن به فلاح و رستگاری را هدف خلقت انسان تعریف می کند (ذاریات: 56؛ آل عمران: 30؛ بروج: 11؛ انعام: 16). وصول به این اهداف عالی در پرتو عمل به قوانین و احکام الهی صورت می پذیرد؛ لذا حفظ دین و برقراری حکومت اسلامی، مقدمه ای برای رسیدن به تکامل انسان است و جزء اهداف متوسط تعریف می شود و قرآن کریم، هدف نهایی را عبادت خداوند و عدم شرک به او تعریف می کند (نور: 55؛ ص: 26). گرچه این آیات جزء اهداف دین محسوب می شود، ولی با توجه به اینکه شریعت زیرمجموعه دین است، از این آیات می توان در مورد اهداف شریعت هم استفاده کرد.

- آیا مقاصدی مانند وحدت مسلمین، حفظ آبروی مؤمنان، مودت اهل بیت (ع)، حکومت اسلامی و عدم همکاری با دشمنان اسلام، نمی توانست جزء مقاصد شریعت که اهل تسنن عنوان کرده اند قرار گیرد؟

### ج) فرق اهداف و مقاصد شریعت<sup>1</sup>

نظریه مقاصد شریعت سابقه‌ای بسیار عمیق در بین علمای اهل سنت دارد و بعضی از علمای شیعه نیز به اختصار به آن پرداخته‌اند. در برابر، برخی بر این باورند که فقه اهداف به مثابه ساختاری جدید از فقه مقاصد قابل طراحی بوده و می‌توان با ترسیم اهدافی چند لایه، چارچوب نظام‌مندی از شریعت ارائه داد.

«بدون تردید در گزاره‌های بیان‌شده از سوی شارع، با مواردی روبه‌رو می‌شویم که مبین مقاصد و اهداف است. با فرض وجود چنین گزاره‌هایی، با پرسشهایی روبه‌رو می‌شویم. یکی اینکه آیا می‌توان از اهداف به گزاره‌های باید و نباید دست یافت؟ بر فرض چنین استنباطی، آیا این مفاد را می‌توان به رضایت و دستور شارع نسبت داد؟ بر فرض اینکه چنین چیزی میسر باشد، مفاد این گزاره‌ها با احکام منصوص و ادله بیانی احکام چه نسبتی برقرار می‌کند؟ آیا فهم اهداف موجب تغییر فهم از طریق تغییر در ظهور ادله می‌شود؟ یا اینکه ظهور تغییر نمی‌کند، اما به مثابه دو دلیل معارض قلمداد می‌شود که باید به نوعی حل تعارض کرد؟ همچنین به لحاظ صغروی آیا این امر اهمیت دارد که مصادیق اهداف چیست و تعداد آنها چقدر است؟ بر فرض تعدد و تنوع، رابطه آنها با یکدیگر چیست؟ در صورت تراحم اهداف، چگونه در سلسله اهداف و با توجه به قواعدی چون تقدیم اهم بر مهم، رفع تراحم کنیم؟ کاربرد این اهداف چیست و برای تعیین کاربرد آیا می‌توان در شریعت، منطقی‌ای به عنوان منطقی فراغ تصویر کرد تا در نتیجه آن بتوان با توجه به گزاره‌های مبین مقاصد یا اهداف، به قانونگذاری پرداخت؟» (حکمت‌نیا، 1394: 29)

البته چنانچه نظریه اهداف اثبات شود، می‌بایست در کنار آن نظریه مقاصد الشریعه را هم بررسی کرد تا بتوان مشترکات و تفاوت‌های این دو نظریه را با هم مقایسه کرد. یکی از کتابهایی که به صورت کامل به این بحث پرداخته، «فقه‌الاهداف فی فکر الشهدید الصدر و دوره فی اصلاح الخطاب الدینی» نوشته سید عبدالملک رضا است که در یک مقدمه و چهار فصل سامان یافته است. این کتاب به دنبال آن است که تبیینی جامع از نظریه فقه اهداف از منظر شهید صدر ارائه کند. فصل اول کتاب، نگاهی کلی به فقه اهداف در دیدگاه شهید صدر دارد (عبدالملک، 1393: 20). فصل دوم به مطالعه تطبیقی بین دیدگاه شاطبی و صدر اختصاص دارد (همان: 47). فصل سوم به اهداف شریعت و نقش آن در اصلاح گفتمان دینی می‌پردازد (همان: 126) و فصل چهارم، منظومه اهداف عالی شریعت را ترسیم می‌کند (همان: 200).

1. در این بحث از مقاله «دغدغه نظام‌سازی دینی» (حکمت‌نیا، 1394) و «فقه‌الاهداف» اثر شهید صدر بهره گرفته‌ام.

### 375 بررسی تطبیقی نظریه مقاصد شریعت با اهداف ...

نویسنده در فصل اول به نظریه عمومی درباره فقه اهداف در دیدگاه شهید صدر پرداخته است. به اعتقاد وی، فقه اهداف اگرچه به صورت صریح توسط شهید صدر بیان نشده است، اما با مراجعه به آثار او می توان این نظریه را استنباط و متفاوت از نظریه مقاصد شریعت قلمداد کرد. (حکمت‌نیا، 1394: 30)

از نگاه نویسنده، دو تفاوت عمده میان نظریه فقه اهداف و مقاصد شریعت وجود دارد. تفاوت اول مربوط به حوزه شناختی است. با این بیان که بسیاری از دانشمندان غیر امامی هنگامی که از مقاصد شریعت سخن می گویند، گاه مقصود ایشان حکمت احکام و گاه منظور آنان مصالح است. گرچه حکمت و مصلحت از پایه‌های تفکری دیدگاه شهید صدر بوده و مکتب امامیه نیز بر آن صحه می گذارد، اما به لحاظ استنباطی، استناد به چنین اموری برای کشف حکم شرعی میسر نبوده و حتی گشودن چنین بابی به خاطر عدم انضباط علمی در آن، با مشکلات و خطرات جدی همراه است (همان: 31). از سوی دیگر، در نظر گرفتن اهداف شریعت که از جانب شارع بیان شده و توانمندی فهم حکم از آن وجود دارد، جدای از مصالح، امری لازم است. (عبدالطلب، 1393: 24)

تفاوت دوم اهداف و مقاصد شریعت، تفاوت روش شناختی است. نظریه مقاصد شرعی برای کشف مقصد به اموری چون: قول صحابه، قیاسهای ظنی، مصالح مرسله و استحسان و مانند آن پرداخته است. حال آنکه در فقه اهداف در نزد شهید صدر و دیگر فقهای امامیه، کشف هدف و مقصد از طریق نصوص قطعی، احکام قطعی عقل و استقراء میسر است. از نگاه نویسنده، گذشته از دستیابی به مقاصد و اهداف، محافظت بر آن نیز امری حیاتی است که بنا بر اعتقاد امامیه، تفکر عصمت و عدالت در راستای چنین امری است. (حکمت‌نیا، 1394: 30)

بنا بر دیدگاه عبدالطلب، جملاتی مانند طعم فقه، مذاق شریعت، ذوق فقهی و روح شریعت که در ادبیات فقهی فقیهان متأخر چون شیخ انصاری، آیت‌... خویی و امام خمینی (ره) آمده است، بیانگر توجه این فقیهان به فقه الاهداف در استنباط احکام شرعی بوده است. (عبدالطلب، 1393: 36)

نویسنده، تفاوت سوم را در فصل دوم کتاب ذکر کرده و به صورت عمیق تر نظریه فقه اهداف را در ادبیات فقهی شهید صدر به صورت تطبیقی با ادبیات فقهی و اصولی مقاصد شاطبی مقایسه می کند. وی بر این باور است که واژه هدف از مقصد به لحاظ لغوی متفاوت است؛ به این معنا که هدف، دلالت بر علو و عظمت می کند و حال آنکه قصد، دلالت بر نزدیکی، اعتدال و استقامت دارد. در نتیجه چنین تفاوتی، از سایر جنبه‌ها نیز مقاصد با اهداف متفاوت می شود. (حکمت‌نیا، 1394: 31)

نکته مهم اینکه، آنچه جناب شاطبی در مورد نظریه مقاصد عنوان می کند، مربوط به فقه فردی می شود؛ در حالی که بنا بر استنباط نویسنده، نظریه اهداف علاوه بر فقه فردی، فقه اجتماعی را نیز در بر می گیرد. دلیل آن را هم استفاده از نظریه اهداف در تبیین اهداف کلان نظام سازی اسلامی بیان می کند. (عبدالطلب، 1393: 51)

تفاوت چهارم این است که مقصد، به ویژه با توجه به منابعی که آن را تأمین می کند، امری غیر منضبط و بدون معیار است؛ در حالی که هدف با توجه به منابعی که آن را تأمین می کند، امری منضبط و دارای معیار برای

اندازه‌گیری است. بنا بر دیدگاه شاطبی، برخی منابع فهم مقصد، امور ظنی‌اند؛ حال آنکه منابع در نظریه اهداف بنا به دیدگاه صدر دارای حجیت‌اند. (همان: 52)

تفاوت دیگر در نظریه مقاصد شاطبی و دیدگاه صدر، این است که شاطبی بین مصالح دنیوی و اخروی تفاوت گذاشته است. این امر ممکن است در ابتدا مناسب و موجه باشد، اما زمینه سوءاستفاده از نظریه را فراهم می‌کند؛ به گونه‌ای که ممکن است سلاطین ادعای تأمین مصالح دنیوی را کرده و تأمین مصالح اخروی را به دین نسبت دهند. در مقابل، نظریه شهید صدر به لحاظ دینی، بر هدف خلافت انسان در زمین و تربیت وی و تصرفات انسان اشاره داشته و معتقد است درجات انسان تابع عنصر خلافت است. بنابر این، مصالح دنیوی همگی تحت‌الشعاع خلیفه‌اللهی انسان در زمین است و از همین رو، مستحق ارتقا به درجات اخروی است. چنین نگاهی رابطه دنیا و آخرت را برقرار می‌کند. (حکمت‌نیا، 1394: 31)

نقش دیگری که اهداف به عهده می‌گیرد، برقراری ارتباط فقه با مجموعه شریعت است. بنا بر دیدگاه نویسنده، شهید صدر متأثر از محمدجواد مغنیه در فهم ادله فقهی، به عنصر فهم اجتماعی توجه کرده و تأکید دارد ارتکاز اجتماعی جایگاه چندانی در فهم نصوص عبادات ندارد و تأثیر این فهم در نصوص، مرتبط به ابعاد حیات اجتماعی مانند معاملات است. از همین قبیل به نهادهایی مانند مناسبات حکم و موضوع می‌توان اشاره کرد.

خاستگاه توجه به چنین امری، همان مبدء حجیت ظهور است. از این لحاظ که متکلم یک فرد است، کلامش به صورت لغوی فهمیده می‌شود و به لحاظ اینکه فردی اجتماعی است، کلام وی را باید در ساختار اجتماعی شناخت. نویسنده در ادامه، به نقش ارتکاز عقلایی در استنباط فقهی اشاره و تلاش می‌کند چنین تأثیری را در یک نمونه معین با عنوان فقه بانکی نشان دهد. از نظر فقهها، قرض ربوی باطل است. یکی از مباحث مهم در حوزه ربا، راه تخلّص و فرار از ربا است که با عنوان حیل ربا مطرح شده است. اکنون سخن این است که آیا می‌توان مقداری وجه نقد را به صورت مؤجل به مبلغی بیشتر فروخت و با توجه به قرض نبودن آن، حکم به صحّت معامله داد و بدین ترتیب از حرمت ربا فرار کرد؟ از آنجا که در منطق فهم احکام، قیاس پذیرفته نیست، ممکن است با این پرسش روبه‌رو شویم که چنین استدلالی از قیاس، سر درمی‌آورد. شهید صدر با تحلیل اجتماعی معاملات و تبیین اهداف سه‌گانه هر معامله، به تبیین ادله پرداخته، به این نتیجه می‌رسد که دلالت عرفی ادله ربای قرضی عمومیت داشته و شامل صورت دوم نیز می‌شود. بنابر این، نتیجه گرفته می‌شود که حکم چنین معامله‌ای بطلان خواهد بود. (همان: 32)

از دیگر کاربردهای اهداف، نقش آن در ایجاد فقه اجتماعی است. به نظر نویسنده کتاب، یکی از کاربردهای مهم فقه اهداف این است که فقه را از حالت فردی به حالت اجتماعی تبدیل می‌کند؛ زیرا هنگامی که شخص فقیه به اهداف شریعت در استنباط احکام توجه داشته باشد، حتماً مصالح اجتماعی در تشریح را لحاظ کرده، اما اگر به شیوه جزئی‌نگری و بدون توجه به اهداف به فقه پردازد غالباً استنباط وی به حالت فردی و فارغ از حیات اجتماعی سوق

### 377 بررسی تطبیقی نظریه مقاصد شریعت با اهداف ...

پیدا می‌کند (عبدالطلب، 1393: 154). نویسنده محترم عنوان می‌کند: شهید صدر قائل است در اداره جامعه، اصل احتیاط جایگاهی ندارد. وی بر این باور است که زندگی اجتماعی و روابط اقتصادی، تجاری و سیاسی را نمی‌توان بر اساس احتیاط تنظیم کرد. (همان)

نقش دیگری که برای اهداف از منظر شهید صدر مطرح شده، نقش اهداف در منطقه فراغ است. به نظر صدر، منطقه فراغ منطقه‌ای است که خداوند متعال آن را بدون حکم قرار داده است. البته این امر، نقص شریعت اسلام نیست؛ بلکه با نگاه فقه‌الاهداف، این امر کاملاً در اداره جامعه لازم و ضروری است و وضع احکام در آن بر عهده پیامبر (ص)، معصوم (ع) و ولی فقیه به عنوان حاکم است. (همان: 155)

نویسنده محترم در فصل چهارم به اهداف عالی شرع پرداخته، رابطه آن را با فقه‌الاهداف بیان می‌کند. اولین هدف، تعبد و ارتباط با غیب است؛ به گونه‌ای که تمام اهداف دیگر ذیل آن تعریف می‌شوند. انسان با شناخت اسماء الهی و رسیدن به این اسماء، می‌تواند به مقام خلیفه‌اللهی برسد. (همان: 201)

هدف دوم، خلافت است. خلافت مقام مهمی است که خداوند آن را به انسان اعطا کرده و امانت بزرگی است که آسمان و زمین و کوهها از پذیرش آن ابا کرده‌اند و انسان آن را پذیرفته است. آنچه در اینجا اهمیت دارد، این است که شهید صدر خلافت را با توجه به ادبیات قرآنی تقسیم کرده است. عناصر خلافت در دیدگاه وی، انسان، طبیعت و رابطه‌ای معنوی است که رفتار انسان را با زمین از یک سو و با هموعان از سوی دیگر مشخص می‌کند. از میان این سه عنصر، رابطه معنوی دارای اهمیت بیشتری است که از منظر قرآن به آن استخلاف گفته می‌شود. در جوامع انسانی همگی در دو عنصر اول مشترک‌اند، اما نگاه آنان به عنصر سوم متفاوت است.

در دیدگاه مادی، انسان در یک رابطه سه‌گانه با خود، با انسان دیگر و با طبیعت قرار دارد. اما در نظریه استخلاف، طرف چهارمی که همان خداوند است، وجود دارد که انسان را در چنین نظریه‌ای، خلیفه خود قرار داده است. از آنجا که سایر انسانها نیز خلیفه‌خدایند و هیچ یک بر دیگری برتری ندارند، برای تحقق چنین خلافتی در زمین، اهداف فرعی دیگری در شریعت وجود دارد. اولین هدف، تحقق حکومت است که توسط صالحان برقرار می‌شود. دومین هدف، عدالت است که بدون آن خلافت خدا در زمین محقق نمی‌شود. از همین رو، خداوند هدف بعثت انبیا و نزول کتاب را برقراری عدالت دانسته است. خلیفه خدا در زمین نیز باید مظهر صفات کسی باشد که وی را خلیفه کرده و مهم‌ترین صفت، عدل الهی است. سومین هدف در نظریه خلافت، عمران و رشد جامعه است. این عنصر، مبتنی بر برخی آیات قرآن است که به عمران زمین و محیا بودن مقدمات آن اشاره شده است. چهارمین هدف، وحدت و اعتصام به حبل... است. پنجمین هدف نیز اعتدال و نظم امور است؛ به گونه‌ای که افراط و تفریط صورت نگرفته و امور در جای مناسب خود قرار گیرند. اهداف دیگر، احترام به آگاهی انسانی و مراعات درک وی، احترام به وقت، تحصیل علم قبل از عمل، رحمت و آسان‌گیری و امنیت است.

از اهداف کلان دیگر این نظریه، موضوع ترکیه است. این هدف نیز ناظر به فرد و جامعه است. ترکیه به لحاظ شناخت و رفتار دارای اهمیت است؛ به گونه‌ای که برخی واجبات مالی مانند زکات و خمس در راستای ترکیهٔ ثروتمندان است. حال اگر ادلهٔ مصادیق ترکیهٔ مالی بدون لحاظ هدف در نظر گرفته شود، ممکن است فهمنده بر الفاظ، جمود یابد. از نظر نویسنده، عدالت و ترکیه اقتضا می‌کند که موضوعات اقتصادی جدید نیز مشمول زکات شود. (حکمت‌نیا، 1394: 36)

آنچه در مورد این نظریه و مقایسهٔ بین فقه اهداف با مقاصد باید بیان کرد، این است که نویسندهٔ محترم در نظریهٔ مقاصد، نظر شاطبی را موضوع بحث قرار داده، در حالی که نظریات جدید دیگری هم بعد از شاطبی در این مورد ذکر شده؛ گرچه نباید منکر شد که شاطبی از مؤسسان این نظریه است. نکتهٔ دیگر آنکه، جایگاه نظریه فقه اهداف می‌بایست در ساختار فقه اسلامی به خوبی ترسیم و رابطهٔ آن با عناصر فقه کاملاً واضح شود و این امر صورت نمی‌پذیرد جز اینکه این نظریه در ساختار درونی خود از انسجام و تمرکز برخوردار باشد.

## د) نظریات در رابطهٔ بین اهداف شارع و تشریح احکام

سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که چنانچه مصلحتی در حلهٔ حتمی، اثبات شد و از مقاصد یا اهداف شارع شمرده شد، میزان تأثیرگذاری این مصلحت ملزمه نسبت به احکام شرعی چقدر است؟ آیا مصلحتی مانند عدالت اجتماعی، مبارزه با ظلم، قرار نگرفتن بندگان در عسر و حرج، تأمین نظام سلامت اقتصادی و امنیت مردم در معاملات، مانند چتری روی فتاویٰ علما سایه می‌افکند و تأثیر خود را بر این فتاوا می‌گذارد یا اینکه علمای اسلام بدون لحاظ این مقاصد و مصالح، نصوص دینی را ارزیابی می‌کنند و فتوا می‌دهند هر چند این فتاوا، آن مصالح کلی شارع را تأمین نکند؟ در این خصوص پنج نظریه وجود دارد که در ادامه به آنها اشاره می‌شود.

### 1. نظریهٔ معیار بودن نصوص دینی

در این اندیشه، فقیهان بزرگی از امامیه و عامه، با محور قرار دادن اسناد شرعی و عدم لحاظ مقاصد کلی شارع و علل شرایع، نصوص دینی را تبیین و فتوای خود را به این شکل بیان می‌کنند. نقطه قوت این نظریه، این است که با تکیه بر اسنادی مانند قرآن، حدیث، عقل و اجماع، فقیه از اجتهادات ظنی و سلیقه‌ای نجات پیدا می‌کند و دچار اجتهاد به رأی نمی‌شود. نقطه ضعف این نظریه هم، عدم توجه به مقاصد شریعت است؛ گرچه این فقیهان چنین می‌پندارند که چنانچه طبق قواعد و اسناد پیش بروند، خودبه‌خود مقاصد شارع تأمین خواهد شد و خود شارع، ارتباط بین احکام جزئی و مقاصد خود را برقرار می‌کند. لذا لازم نیست که فقیه به مقاصد توجه کند، بلکه باید تمام تلاش خود را به اسناد شرعی و فهم آن معطوف سازد.



### 379 ◆ بررسی تطبیقی نظریه مقاصد شریعت با اهداف ...

برای مثال، عدالت هر چند از مقاصد شریعت و از مصالح الزامی است، اما هرگز به مثابه یک قاعده فقهی مطرح نبوده است. عدالت، مفهومی تعریف‌نشده است؛ به نحوی که هر فرد و گروهی تعریفی از آن ارائه داده‌اند. تنها راه رسیدن به عدالت، تشریح مقررات است. شهید صدر می‌فرماید: «اسلام که عدالت اجتماعی را از مبادی اساسی برای شکل‌گیری خط‌مشی اقتصادی‌اش می‌داند، آن را با مفهوم تجریدی بیان نکرده و به صورت باز بدان دعوت نفرموده است تا قابل هرگونه تفسیر باشد. همچنین آن را به جوامع انسانی که دیدگاه‌های متفاوتی پیرامون عدالت دارند و بر اساس اندیشه و تلقی خود از زندگی و حیات، آن را معنا می‌کنند واگذار نکرده است؛ بلکه عدالت را ضمن یک سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی معین ارائه داده که توانسته است پس از آن، این ایده را در واقعیتی زنده مجسم سازد؛ واقعیتی که تمام تار و پودش با مفهوم اسلامی عدالت عجین است.» (صدر، 1383: 286)

گروهی دیگر معتقدند عدالت، معیار است؛ یعنی ما باید از راه عدالت بفهمیم که چه چیزی دین است و چه چیزی دین نیست؛ نه اینکه دین را معیار عدالت قرار دهیم. در این دیدگاه، عدالت یک قاعده و اصل عام در فقه تلقی شده است. (مطهری، 1381: 27)

### 2. نظریه معیار بودن نصوص دینی با گرایش به مقاصد شریعت

در این نظریه، فقیه با وجود محور قرار دادن ادله و اسناد شرعی، مقاصد عام شریعت از قبیل ایجاد عدالت، آزادی، قرب به سوی خداوند و... را نیز در نظر می‌گیرد و با توجه به شرایط زمان و مکان و اقتضای فطرت انسانی، به استنباط احکام می‌پردازد (علیدوست، 1390: 366). طرفداران این نظریه، دست از اسناد برنمی‌دارند؛ هر چند در صورتی که سندی معتبر پیدا نشد، از مقاصد شرع و گاهی از آن به مثابه سند شرعی استفاده می‌کنند. مدافعان این نظریه با توجه به اعتماد به مقاصد کلی شریعت در کنار محوریت نصوص، فتاوی‌ای متفاوت با فتاوی‌ای نظریه نص محور داشته‌اند. فقهایمانند ابن‌ادریس حلی و محقق اردبیلی از پیروان این نظریه‌اند.

برای مثال، ابن‌ادریس حلی علاوه بر اینکه تعلق زکات به مال یتیم را واجب نمی‌داند، آن را مستحب هم ندانسته، بلکه حرام می‌شمارد؛ بر خلاف مشهور فقها که پرداخت زکات از مال یتیم را مستحب می‌دانند. (نجفی، 1410، ج 15: 15)

ابن‌ادریس چنین استدلال می‌آورد: «والدلیل علی صحه ذلك من وجوه كثيرة: أحدها ظاهر كتاب الله تعالى، و هو قوله سبحانه: وأقيموا الصلاة وآتوا الزكاة» (بقره: 43). فکان ظاهر الخطاب فی الزکاه، متوجهاً إلی من توجه فی الصلاة، لاقتراهما فی الظاهر، و اجتماعهما فی معنی التوجه بالاتفاق، فلما بطل توجه الخطاب فی الصلاة، إلی المجانین و الأطفال، بطل توجهه إلیهم فی الزکاه، كما بیناه، و قوله تعالى فی الأمر لرسوله علیه السلام بأخذ الزکاه: خذ من أموالهم صدقة تطهرهم و تزکیهم بها» (نوبه: 103). و الطفل لا ذنب له، فتكون الصدقة تطهیراً له منه، و المجنون لا جرم له، فتكون التزکیه كفارة له عنه، وهذا بین بحمدالله، لمن تدبره، و

ترك تقليد ما يجده في بعض الكتب» (همان، ج 1: 430). ایشان می‌فرماید قرآن کریم، حکمتِ گرفتن زکات را تطهیر افراد می‌داند، ولی طفل صغیر که گناهی ندارد که زکات و صدقه او را تطهیر کن.

### 3. نظریه معیار بودن مقاصد شریعت با گرایش به نصوص دینی

صاحبان این اندیشه با اینکه ادله و نصوص شرعی را به عنوان اسناد اجتهاد می‌پذیرند، ولی به مقاصد کلی شرع توجه بیشتری دارند و ادله و نصوص شرعی را متأخر از مقاصد دانسته، نه مفسر آن (علیدوست، 1390: 370). این اندیشه در میان فقهای امامیه طرفداری ندارد، اگرچه برخی از نواندیشان دینی در مکتب امامیه به این نظریه گرایش دارند (ملکیان، 1381: 100). از میان فقهای اهل تسنن، می‌توان نجم‌الدین طوفی را نام برد. او در صورت تعارض بین نص و اجماع با مصلحت، به تقدیم مصلحت قائل است. وی ادله شرعی را به 19 باب تقسیم کرده، عنوان می‌کند: «نص و اجماع قوی‌ترین ادله نوزده‌گانه است؛ حال یا نص و اجماع با رعایت مصلحت توافق دارند و هم‌جهت‌اند یا مخالف بوده و تعارض دارند. در صورت موافقت، مطلوب حاصل است و نزاعی پیش نخواهد آمد؛ چون گاهی سه دلیل نص، اجماع و مصلحت، بر یک حکم واحد اتفاق دارند. در صورت تخالف و تعارض، تقدیم و ترجیح مصلحت از باب تخصیص و بیان، واجب است، نه از باب برکناری و تعطیل کردن نص و اجماع، همان‌طور که سنت از باب بیان بر قرآن مقدم می‌شود» (طوفی، بی‌تا: 94).

### 4. نظریه معیار بودن مقاصد شریعت

توجه کامل به مقاصد شریعت و ناکافی بودن اتکا به اسناد شرعی در این برهه از زمان، مبنای شکل‌گیری این دیدگاه است. این نظریه بدون انکار نصوص دینی، کارآمدی آنها را متعلق به 14 قرن پیش دانسته، با بیان عدم کارایی آنها در این برهه از زمان، مقاصد را بر آنها حاکم می‌داند. برای مثال، بیگی در مقاله «دو مفهوم مدرنیته» می‌گوید: «با رفوکاری‌های فقیهانه نمی‌توان به تحولات علمی و دستاوردهای اجتماعی، فرهنگی مدرنیته پاسخ داد» (بیگی، 1378).

بعضی از نواندیشان مانند مجتهد شبستری، قصاص را این‌گونه تفسیر می‌کنند که در دوره نبی اکرم (ص) به جای یک نفر، نه نفر را می‌کشتند. پیامبر (ص) فرمود: انتقام ممنوع است، بلکه یک انسان به جای یک انسان در نظر گرفته می‌شود؛ یعنی قتل هر چه کمتر باشد، بهتر است. لذا اگر روزی هم حکم قصاص برداشته شود، خلاف نظر قرآن و پیامبر (ص) نخواهد بود. (مجتهد شبستری، 1379، 159).

این گروه قائلند «شریعت، مقاصدی دارد و این احکام فقهی برای تأمین و تضمین آن اهداف و مقاصد وضع شده‌اند. در شیعه هم علل الشرایع داریم، لیکن دریغاً که این علل و مقاصد، مبنای احکام فقهی قرار نمی‌گیرند و فقیهان با فقه چنان روبه‌رو نمی‌شوند که گویی همه مقاصد و اسرارش آشکار است» (سروش، 1378: 345).

### 381 ◆ بررسی تطبیقی نظریه مقاصد شریعت با اهداف ...

مجتهد شبستری نیز بسیاری از احکام شرع را احکام تاریخی می‌داند که وسیله‌ای برای تحقق مقاصد بوده‌اند. در عصر حاضر بین مقاصد که ارزش ذاتی دارند، با احکام آنها فرق است و تفکیک بین این دو به وسیلهٔ مراجعه به کتاب و سنت میسر نیست و تشخیص ذاتی و عرضی را به واسطهٔ رجوع به تاریخ و رخداد آن حادثه تاریخی در زمان مشخص تفسیر می‌کند. (مجتهد شبستری، 1379: 267)

#### 5. معیار بودن نصوص با نظارت بر مقاصد شریعت

در این دیدگاه، مقاصد شریعت و مصالح شارع، قاعده و سند و دلیل برای استنباط فقیه نبوده و منابع استنباط، فقط ادله‌ای است که از قرآن، سنت، اجماع و عقل به دست می‌آید؛ ولی فقیه همیشه به مقاصد شریعت و مصالح مردم امعان نظر داشته و این امر، فقیه را در استنباط و برداشت از آیات و روایات، بسیار کمک می‌کند. لذا در این نظریه، همهٔ احکام شرعی، راهی برای وصول به اهداف و مصالح اصلی و مقاصد شارع مقدس خواهد بود. (علیدوست، 1390: 377)

به بیان واضح‌تر، چون خاصیت احکام الهی از سنخ برنامه است، آغاز و انجامشان کاملاً مشخص است؛ مانند نماز و روزه. ولی از آنجا که مقاصد و مصالح الهی از سنخ نتایج‌اند، آغاز و انجامی ندارند؛ برای مثال، نماز برای دوری از فحشا و منکر تشریح شده که دوری از فحشا یک مقصد است که در جامعه اسلامی قابل اجرا نیست. همان‌گونه که مقاصد شریعت به علت مبهم و کلی بودن، صلاحیت استناد برای کشف حکم شرعی را ندارند، نصوص مبین این مقاصد نیز نمی‌توانند مقیاس صحت و بطلان سایر ادله و نصوص مبین احکام شرعی باشند. اگرچه باید دقت کرد که مقاصد شریعت، روح و حقیقت شریعت محسوب می‌شوند و گاهی توجه به ظاهر دین و غفلت از آن اهداف، فقیه را در دریایی متلاطم غرق کرده و نگاه بلند وی را به دین و اهداف آن، به یک نگاه قشری و پوسته‌ای تقلیل می‌دهد. لذا فقیه همیشه باید با یک چشم، نصوص مبین احکام شرعی را در نظر بگیرد و با چشم دیگر به نصوص مبین مقاصد شریعت توجه کند. (همان، با تلخیص)

برای مثال، فقها در خصوص فروش سلاح به دشمنان، در بعضی روایات، بین زمان صلح و غیر صلح تفکیک قائل شده‌اند. از جمله: «مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ أَبِي بَكْرِ بْنِ الْحَضْرَمِيِّ قَالَ دَخَلْنَا عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ فَقَالَ لَهُ حَكَمُ السَّرَّاحِ مَا تَقُولُ فِيمَنْ يَحْمِلُ إِلَى الشَّامِ السُّرُوحَ وَ أَدَاتَهَا فَقَالَ لَا بَأْسَ أَنْتُمْ الْيَوْمَ بِمَنْزِلَةِ أَصْحَابِ رَسُولِ اللَّهِ ص إِنَّكُمْ فِي هُدًى فَإِذَا كَانَتِ الْمُبَايَنَةُ حَرَمٌ عَلَيْكُمْ أَنْ تَحْمِلُوا إِلَيْهِمُ السُّرُوحَ وَ السَّلَاحَ». (حر عاملی، 1414، ج 17: 101)

حضرت امام خمینی (ره) می‌فرماید: فروش سلاح به دشمنان از شئون حاکم الهی است. بنابراین، نه در زمان صلح بودن، مجوز فروش سلاح محسوب می‌شود و نه کفر دشمنان، موجب عدم جواز فروش خواهد بود. از اخبار و روایات هم، جز حکم عقل که با توجه به مقاصد کلی شارع بیان شده است، چیزی فهمیده

نمی‌شود (امام خمینی، 1381، ج 1: 135). جالب است که حضرت امام (ره)، ظهور این گونه روایات را همان تبیین حکم عقل عنوان می‌کنند.

در اندیشه اول، فقط به نصوص توجه شده است. هر چند این نظریه ما را از اجتهاد به رأی نجات می‌دهد و سلاطین شخصی را وارد فقه نمی‌کند، ولی عدم توجه به مقاصد قطعاً فقیه را به نوعی جمودگرایی می‌کشاند. ضمن اینکه در این نظریه، جایگاه عقل در بین مدارک استنباط، تعریف نشده یا کاملاً در حاشیه است.

اندیشه سوم و چهارم نیز کاملاً مقاصدمحور بوده که نقد آنها بیان شد. در دیدگاه پنجم، علاوه بر اینکه جایگاه نصوص دینی کاملاً حفظ شده، به مقاصد و مصالحی که شارع در نظر داشته هم توجه شده است. لذا به نظر محقق، این نظریه از نظرات دیگر صائب‌تر است. شاید بتوان گفت که این نظریه، تکمیل نظریه دوم است. شاید اگر امثال ابن حلی‌ها و محقق اردبیلی‌ها این نوع فتاوی‌ای خلاف اجماع را نمی‌دادند، این راه بدین شکل باز نمی‌شد.

طبق نظریه پنجم، مقاصد کلان شریعت، مانند عدالت با نظارت بر نصوص دینی، مبنای حکم شرعی و مفسر این نصوص خواهد بود؛ حال یا از طریق فهم عرف مردم می‌توان به این مطلب رسید که آیا این حکم شرعی مطابق عدالت است یا خیر، یا در بعضی مواقع به کمک مقاصد شریعت به یک حکم قطعی عقل می‌رسیم که حتی چنانچه حکمی عقلی در تعارض با مفاد نص قرار گیرد، دلیل قطعی عقل مقدم بر نص می‌شود.

### هـ) نتیجه گیری

منابع معتبر برای تبیین مقاصد یا اهداف شریعت، قرآن و احادیث معتبر و عقل است. همچنین در کشف و تفسیر مقاصد شریعت نیز باید به همین منابع رجوع کرد. آنچه در فقه و استنباط مهم است، ملاحظه تقسیم مقاصد به ابتدایی و نهایی، معتبر و غیر معتبر و نقلی و عقلی است. بی‌توجهی به اهداف شارع مقدس در جعل احکام شرعی، جامعه اسلامی را دچار بحران می‌کند و دین را جامد و بدون نگاه به آینده بدل می‌کند. البته توجه تام به اهداف و بی‌توجهی به نصوص شرعی نیز ما را به ورطه تحریف دین و ایجاد نظریاتی که هیچ‌سنبه‌ای برای صحت و سقم آن نداریم می‌کشاند. لذا در رابطه بین اهداف شریعت و احکام شریعت، فقیه باید با معیار قرار دادن نصوص شرعی، توجهی هم به اهداف شارع مقدس داشته باشد.



### منابع

- قرآن کریم. ترجمه محمدرضا صفوی (1387). قم: آبنوس.
- امام خمینی، سید روح‌الله (1381). *المکاسب المحرمه*. قم: مطبعه المهر.
- بیگی، خشایار (1378). «دو مفهوم مدرنیته». *کیان*، ش 46: 35.
- حر عاملی، محمدبن حسن (1414 ق). *وسائل الشیعه*. قم: آل‌البيت.
- حکمت‌نیا، محمود (1394). «دغدغه نظام‌سالاری دینی». *فقه و حقوق*، ش 2.
- ریسونی، احمد (1376). *اهداف دین از دیدگاه شاطبی*. ترجمه سید حسن اسلامی و سید محمدعلی ابهری. قم: مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی.
- سروش، عبدالکریم (1378). *بسط تجربه دینی*. تهران: صراط.
- صدر، سید محمد باقر (1383). *اقتصادنا*. دارالتعارف للمطبوعات. بیروت.
- طوفی، نجم‌الدین (بی تا). *المصلحه الشریعه الاسلامیه*. [بی جا]: مؤسسه الرساله.
- عاملی، محمدبن مکی (بی تا). *القواعد و الفوائد فی الفقه و الاصول و العربیه*. قم: مکتبه المفید.
- عبدالمطلب، رضا (1393). *فقه الاهداف فی فکر الشهید الصدر*. قم: مجبین.
- علیدوست، ابوالقاسم (1390). *فقه و مصلحت*. قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ج دوم.
- غزالی، محمدبن محمد (1417 ق). *المستصفی من علم الاصول*. 2 جلد. بیروت: مؤسسه الرساله.
- القمی، میرزا ابوالقاسم (1363). *قوانین الاصول*. 2 جلد. علمیه اسلامی، قم.
- مجتهد شبستری، محمد (1379). *نقدی بر قرائت رسمی از دین*. تهران: طرح نو.
- علی رضا، محمد رشید (1990 م). *المنار*. مصر: الهیئه المصریه العامه للکتاب، ج دوم.
- مطهری، مرتضی (1381). *مجموعه آثار*. تهران: صدرا، ج سوم.
- مهریزی، مهدی (1377). *مدخل الی فلسفه الفقه*. تعریف خالد توفیق. مؤسسه الاعراف، قم. ج سوم.
- ملکیان، مصطفی (1381). *راهی به راهی*. تهران: نگاه معاصر.
- نجفی، محمدحسن (1410 ق). *جواهر الکلام*، 43 جلد. بیروت: دارالاحیاء التراث العربی، ج هفتم.
- **Holy Quran**. translated into Persian by Safavi Mohammad reza (2008) Ghom: Abnoos Pub.
- Abdolmotalleb, Reza (2014) **gouls of jurisprudence in the view of shahid sadr**. Ghom: Mohebbin Pub.
- Alghomi, Mirza Abol Ghasem (1984) **laws and principles** [Ghavaninol Osool]. Two volumes .Ghom: elmieh eslamieh Pub.
- Alghomi, Mirza Abol Ghasem (1984) **laws and principles** [Ghavaninol Osool]. Two volumes .Ghom: elmieh eslamieh Pub.
- Alidost, Abolghasem (2011) **jurisprudence and utility**. Ghom: Islamic thought and culture research school. Valume:2.

- Alireza, Mohammad Rashid (1990) **Almenar**. Vol.2. Egypt: Alheatel mesriah alamah lelketab Pub.
- Amoli, Mohammad ibn makki (?) **rules and benefits of jurisprudence, principles and Arabic**. Ghom: Mktabol Mofid Pub.
- Beigi, Khashayar. (1999). **two meanings of modernity**. Kian Jornal.N:46.P:35
- Ghazali, Mohammad ibn Mohammad (1996) **almostasfi men elmel osool**. Two volumes .Beirut: Moassesatol Resalah Pub.
- Hekmat nia, Mahmood. (2015). **religious Democracy** .Jurispridence and Law: N: 2.
- Hurr al-Ameli (1993). **Wasā'IL al-Shī• a**, Ghom: Alol beit Pub.
- Khomeini, Imam. (2002). **Almakasebol moharramah**. Ghom: Mehr Pub.
- Malekian, Mostafa. (2003).**liberty and salvation**. **Tehran**: Neghahe moaser Press
- Mehrizi, Mahdi. (1998).**a survey of the philosophy of jurisprudence**. Tarib Khalid Tofigh Vol. 3.Ghom: Moassesatel Araf Press
- Mojtahede shabestari, Mohammad (2000) **a critical research on the official reading of religion**. Tehran: Tarhe no Pub.
- Mojtahede shabestari, Mohammad (2000) **a critical research on the official reading of religion**. Tehran: Tarhe no Pub.
- Motahari, Morteza. (2002).**colection of works**. Vol. 3 .Tehran: Sadra Press
- Najafi, Mohammah Hassan. (1989).**javaherol kalam**. 43 Volumes . 7 Ed. Beirut: Darol Ehya Altorasel Arabiah Press
- Risooni, Ahmad. (1997). **Shaatibi viewpoint and the gouls of religion**.Translated by islami and abhari.Ghom: Islamic research ans studies center.
- Risooni, Ahmad. (1997). **Shaatibi viewpoint and the gouls of religion**.Translated by islami and abhari.Ghom: Islamic research ans studies center.
- Sadr, Mohammad bagher (2004) **Our Economy**. Beirut: Darol taarofel matboat Pub.
- **The expansion of religious experience**.Tehran. Serat Pub. †Soroush, Abdolkarim (1999)
- Toofi, Najmoddin (2004) **utility of Islamic legislative system [maslahateh shariateh eslamiyah]**. moassesatol resalah Pub.

